

## مسابقه « فتح عشق »

شرح عملیات بیت المقدس (از زبان جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح):

آزاد سازی خرمشهر آنچنان مهم بود که پیر جماران در ترسیم عظمتش، آن را کار خدای منعال دانست. در گذر روزها و ماه ها و سال ها هر چه از یاد نسل های اول و دوم انقلاب رفته باشد، این برگ از تاریخ اما در برابر چشمان ایشان است. نسل های سوم و چهارم انقلاب اما باید بدانند که چه حماسه ها آفریدند فرزندان ایران در دفاع مقدس و چه غوغاها به پا کردند در برابر آن فرومایگان که به هوای جولان در سرزمین پارسیان آمده بودند .

جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح که از یادگاران دفاع مقدس در عملیات بیت المقدس، است و در آن عملیات فرمانده قرارگاه فتح سپاه بود اینگونه از فتح خرمشهر می گوید : عملیات بیت المقدس یکی از ۱۲ عملیات بزرگ و گسترده ما در طول ۸ سال دفاع مقدس، بود. این عملیاتها ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس و والفجر مقدماتی و یکم، عملیات رمضان، خیبر و بدر و فاو و کربلا ۵ و والفجر ۱۰ بود .

در عملیات بیت المقدس انصافاً همه نیروهای ارتش و سپاه بودند شاید دو سوم نیروی زمینی ارتش بود لشکر ۹۲ و ۲۱ و ۷۷ و ۱۶ و تیپ های متعدد مثل ۵۵ هواپردو ۲۳ نهد و ۵۸ ذوالفقار و ۳۷ زرهی و یگانهای سپاه هم همینطور تمام یگانهای سپاه هم در این عملیات بودند ۳۱ عاشورا، ۴۱ قارا، ۴۳ نور به فرماندهی شهید بزرگوار علی هاشمی ۲۱ امام رضا (ع)، ۸ نجف، ۱۴ امام حسین (ع)، ۲۵ کربلا، ۷ ولیعصر، ۲۷ حضرت رسول، ۱۹ فجر، ۳۳ المهدی و ۴۶ فجر و ۲۲ بدر، و هوانیروز و نیروی هوایی ارتش و حتی نیروی دریایی ارتش و کل تجهیزات مهندسی جهاد سازندگی در این صحنه ها حضور داشتند. من درباره اهمیت فتح خرمشهر و عملیات بیت المقدس می خواهم به نکاتی بپردازیم .

برای بیان اهمیت فتح خرمشهر می توان عملیات بیت المقدس را از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار داد ما میخواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که فتح خرمشهر چه نقش و جایگاهی در روند تحولات جنگ داشته است؟ ما می توانیم برای پاسخ به این سوال به چند نکته اشاره کنیم. فتح خرمشهر پایان یک دوره و آغاز یک دوره جدید است و ماهیت جنگ را تغییر داد. به هر حال دشمن در آغاز تجاوز از مرزها عبور می کرد و شهرهای زیادی از ما به اشغال دشمن می آید و ۱۵ تا ۲۰ هزار کیلومتر مربع از خاک ما را دشمن تصرف کرد و در سال اول جنگ موفق نشدیم هیچ نقطه ای از سرزمینهای اشغالی را آزاد کنیم ولی در سال دوم جنگ یک تحول بزرگی اتفاق افتاد و با یک استراتژی نظامی و عملیاتی موفق و سلسله وار دشمن را با قدرت به عقب راندیم تا به مرزها رسیدیم .

عمده عملیات های ما در استان خوزستان بود و نیمه جنوبی استان ایلام. دشمن در مرز خوزستان و انتهای جنوبی استان ایلام که جمعاً

حدود ۳۰۰ کیلومتر مرز داریم ۱۰ هزار کیلومتر مربع از سرزمینهای ما را اشغال کرده بود و در مابقی مرز که حدود ۱۰۰۰ کیلومتر است، ۵ تا ۶ هزار کیلومتر مربع را اشغال کرده بود و این اهمیت مناطق اشغالی را در خوزستان می‌رساند ما با چهار عملیات پی در پی در سال دوم جنگ نزدیک ۱۰ هزار کیلومتر مربع را آزاد کردیم .

دوره جدید با فتح خرمشهر آغاز شد و یک تصمیم استراتژیک توسط حضرت امام و شورایی عالی دفاع گرفته شد و ما وارد خاک عراق شدیم و جنگ به مدت ۶ سال دیگر ادامه پیدا کرد .

با فتح خرمشهر ماهیت جنگ عوض شد یعنی تا قبل از فتح خرمشهر اگر اهداف صدام و رهبران بعثی عراق براندازی و سقوط نظام و تهدید جدی انقلاب اسلامی و نابود انقلاب و لغو قرارداد سال ۱۹۷۵ بود با فتح خرمشهر همه این اهداف از بین رفت و ایران را به قله پیروزی رساند و بر عکس عراق در آستانه سقوط قرار گرفت. قدرت نظامی عراق را که توانسته بود ظرف یک تا دو سال قدرتهای جهان و حتی قدرتهای منطقه را متقاعد ساخته بود که قدرت نظامی عراق قدرت بزرگی است و توانست ایران را شکست بدهد و ایرانی‌ها نتوانستند او را شکست دهند و همه اینها با فتح خرمشهر از بین رفت و صدام در آستانه سقوط قرار گرفت .

نکته مهم دیگر اینکه خطری که آمریکایی‌ها با پیروزی انقلاب اسلامی احساس کردند مجدداً برای آنها با آزادی خرمشهر در ابعاد وسیع‌تری پیدا شد چون که دشمنان ما با تحمیل جنگ آمده بودند قدرت انقلاب را در مرزهای ایران مهار کنند. حالا بعد از فتح خرمشهر مجدداً این امکان برای انقلاب اسلامی بوجود آمد که قدرت تاثیرگذار بر همه مسایل منطقه باشد .

**نکته دوم** که می‌توان در پاسخ به این سوال گفت این است که موازنه نظامی به سود ایران به شکل تعیین‌کننده‌ای تغییر کرد و ایران به عنوان یک ایران برتر و یک ایرانی که غلبه کرده بر یک قدرت نظامی که همه قدرتها پشت سر او هستند در برابر دیدگان ملت‌ها قرار گرفت و تا قبل از این، عراق به عنوان قدرت برتر محسوب می‌شد اما با فتح خرمشهر این موازنه نظامی به سود ایران و ملت و نیروهای مسلح تغییر کرد. همچنین منزلت ایران در عرصه نظام بین‌المللی ارتقاء پیدا کرد .

**نکته بعدی** اینکه همه مبارزین و ملت‌هایی که علاقه به انقلاب اسلامی داشتند مثل فلسطین، لبنان، مصر و مردم افغانستان، مطمئن شدند که انقلاب اسلامی شکست‌ناپذیر است و خیلی خوشحال شدند و به مبارزه امید پیدا کردند و در فرای پیروزی فتح خرمشهر، حزب ... لبنان متولد شد .

همچنین در داخل کشور مردم اطمینان پیدا کردند لیبرال‌ها طی یک سال فقط شعار دادند و هیچ نقطه روشنی را از دشمن بازپس گیری نکردند و اطمینان پیدا کردند که این قدرت نظامی متکی بر فرماندهان حزب ... ی و با ایمان قادر است از منافع ملت ایران دفاع کند و تهدید را دور کند و تهدید را شکست بدهد .

همچنین با فتح خرمشهر ابعاد و ماهیت قدرت نظامی ایران آشکار شد. دشمن پیش از این باور نمی کرد که قدرت جدیدی شکل گرفته است که این همه تحولات را ایجاد کرده و اینها خرمشهر را فتح کردند. تا فتح خرمشهر قدرت این نیرو را ندیده بودند. ارزیابی نکرده بودند ولی با این پیروزی قدرت این نیروی نظامی جدید آشکار شد و آنها به شدت وحشت کردند.

**نکته آخر،** نگرانی صدام و کسانی که پشت سر صدام بودند یعنی حامیان منطقه ای و جهانی صدام از فتح خرمشهر، آزادی خرمشهر نبود بلکه پیامدهای فتح خرمشهر بود که بر موازنه منطقه ای تاثیر گذاشت و موازنه را به سود ایران تغییر داد. با فتح خرمشهر علایم شکست عراق برای همه آشکار شد و ظهور قدرت نظامی جدید ایران مهمترین نقطه نگرانی دشمن بود. ما باید قبول کنیم که در سال دوم یک تحول انجام شد، یعنی در هر صحنه که فرماندهانی باایمان و فکورتر و باتدبیرتر و هوشمندتر باشند می توانند به بهترین شکلی از امکانات استفاده کنند.

در سال اول جنگ ما (آقایان حسنی سعدی، قاسم سلیمانی، موسوی قویدل هاو عزیز جعفری و سوداگر و دیگر عزیزان) بودیم اما آن تفکر خلاق نبود که ما را جمع کند. شهید صیاد شیرازی هم بود و آقا محسن هم بود ولی اینها در راس قدرت سپاه و ارتش نبودند. در سال دوم تحولی متاثر از تفکر و عزم و اراده فرماندهان بزرگوار ما پدید آمد که آن سرمنشاء پیروزی ها شد.

تفکر خلاق را در سال دوم جنگ همه این فرماندهان عرضه کردند. ما با همان امکاناتی که داشتیم دشمن را مورد حمله قرار دادیم و پیروز شدیم. در سال دوم یقیناً امکانات ما از سال اول جنگ کمتر بود، ابزار و امکانات ارتش ما در سال اول جنگ بیشتر بود. تانک، هلی کوپتر و توپخانه بیشتری داشتیم و در چندین عملیات ناموفق، بخشی از امکانات ارتش از بین رفته بود و جایگزین هم نشد و این روند تا آخر جنگ وجود داشت.

بنابر این تفکر خلاق در سال اول جنگ وجود نداشت. همچنین در خیلی از عملیاتها که ما شکست خوردیم از عدم شناخت ما نسبت به دشمن بود. و همین طور بهره گیری از تمام امکانات و منابع در چارچوب یک استراتژی موفق وجود نداشت سال دوم جنگ بود که ما همه امکانات و منابع را بکار گرفتیم. آیا در سال اول در این کشور، سپاه و نیروهای مردمی، جهادسازندگی نبودند؟ و اینها جزء منابع کشور نبودند؟ بودند اما یک عده ای مانع حضور اینها در جنگ در کنار ارتش می شدند.

شهید صیاد در کتاب ناگفته های جنگ می گوید: در سال دوم یک تحول بزرگی اتفاق افتاد. مطالبی یادداشت کرده ام از این کتاب که فرازهایی از آنرا می خوانم.

سال اول جنگ تحمیلی اوضاع به گونه ای گذشت که اینرا باید از زبان آنهایی که در صحنه و در جریان بودند، شنید. ارتشی ها (قدیمی ها) دوران تلخ سال اول را یادشان هست.

برای برادران سپاه، صحنه عمل که میدانی برای کار داشته باشند، برایشان ایجاد نشده بود (صفحه ۱۹۵) بنابراین در سال دوم جنگ اتفاق افتاد بهره گیری از همه امکانات و منابع و اعتماد بنفس و خلاقیت و شناخت دقیق از دشمن و انطباق با واقعیات، ویژگیهای استراتژی ما در سال دوم جنگ بود. بنابراین تفکر برتر و خلاقیت و ترکیب جدید نیروها که برادران ارتش و سپاهی و جهادسازندگی و بسیجی ها بودند و ید واحد شدند علیه دشمن و با طرح ریزی های عالی، حمله کردند و آن عملیاتها پیروز شد. ارتش عراق در همه سطوح غافلگیر شد و نفهمید و درک نکرد که این قدرت چگونه شکل گرفته است. ارتش همان ارتش بود ولی نیروهای مردمی و جهادی و سپاه آمدند و یک ترکیب جدید شکل گرفت و این پیروزی ها بدست آمد. ارتش عراق در تمام سطوح، هم در سطح استراتژیک و تاکتیک و هم در سطح عملیات، غافلگیر شد و تا آخر هم نتوانست تاکتیک ما را بفهمد.

ماهیت این پیروزی ها باید تجزیه و تحلیل شود ماهیت این پیروزیها، ریسک فرماندهی، روش دست یابی به پیروزی ها، فرماندهی و کنترل، ابتکار عمل و خلاقیت، هدایت نیروها در شب، آموزش حین جنگ و تدبیرهای عالی فرماندهان در همه ابعاد نیروی انسانی، لجستیک، اطلاعات و بسیاری از موضوعات دیگر باید بررسی شود تا اهمیت این موضوع روشن شود.

#### نتایج عملیات

عملیات بیت المقدس موجب شد تا کشورهای عرب منطقه به تقویت مالی و نظامی عراق مبادرت ورزند. بازتاب عملیات بیت المقدس در رسانه های بیگانه در جریان آزادسازی خرمشهر و مراحل مختلف عملیات سخنان ضد و نقیضی از خبرپراکنی استکبار برای تضعیف روحیه مردم ایران به کار گرفته شد که فتح خرمشهر خط بطلان بر تمام این قوطنه ها کشید.

#### عملیات بیت المقدس از نگاه ناظران جهانی

عملیات پیروزمندانه بیت المقدس که منجر به آزادسازی خرمشهر پس از ۵۷۵ روز گردید، ضربه اساسی و تعیین کننده ای بر پیکر دشمن وارد ساخت و تمامی معادلات، باورها و ذهنیتهایی را که در مورد توانایی و قابلیت های نظامی جمهوری اسلامی ایران وجود داشت، تغییر داد. بسیاری از کارشناسان نظامی و تحلیلگران رسانه های خارجی، در برابر «سرعت عمل» و «ویژگیهای عملیاتی» نیروهای ایرانی به هنگام فتح خرمشهر، غافلگیر، مبهوت و شگفت زده شدند.

رادیو دولتی انگلستان که در شامگاه نهم اردیبهشت ۱۳۶۱ اعلام می کرد: «چنانچه ایرانیان در صدد بازپس گرفتن خرمشهر برآیند، سخت ترین «گردو» را برای شکستن برگزیده اند»، ۱۰ سرانجام ناچار شد سکوت خود را بشکنند و طی گفتاری در روز پنجم خردادماه سال شصت و یک، یعنی دو روز پس از فتح خرمشهر توسط رزمندگان ایران اسلامی، حیرت زده اعلام کند: «از زمانی که خبرنگاران غربی از نیروهای عراقی در خرمشهر دیدن کرده و از روحیه خوب آنها گزارش داده اند، بیش از سه یا چهار روز نمی گذرد که ناگهان همه شهر از دست عراقی ها بیرون کشیده شد.»

در ساعت ده و پنجاه و پنج دقیقه بامداد چهارشنبه، چهارم خرداد، ۱۳۶۱ خبر گزاریهایی بین المللی، در گزارشهایی که با عنوان

«بسیار مهم» از بغداد به سراسر جهان مخابره کردند، برای نخستین بار ضمن استناد به بیانیه نظامی صادره از سوی حکام بغداد، اعلام داشتند که عراق «تلویحاً» به شکست خود اعتراف کرده است. به نوشته وزیر خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران، خبرگزاری رسمی عراق - آی.ان.ا. - طی یک اطلاعیه کوتاه ضمن آنکه از خرمشهر با عنوان «بندر خرمشهر» نام برد، اعلام کرد: «سخنگوی ارتش عراق اعلام کرده است بندر خرمشهر را ترک کرده و تا مرزهای بین المللی عقب نشینی کرده اند. خبرنگار عراق افزود که عقب نشینی نیروهای عراقی، از روز یکشنبه اول خرداد ۱۳۶۱ آغاز شده بود.»

همین اطلاعیه تلکس بین المللی خبرگزاری عراق، عصر روز چهارم خرداد ۱۳۶۱ به صورت دیگری از سوی رادیو صوت الجماهير بغداد به اطلاع افکار عمومی عراق رسانده شد: «یک سخنگوی ارتش عراق اعلام کرده است که نیروهای پیروزمند قادیسیه صدام پس از آنکه تمامی حمله های قوای دشمن مجوس و نژادپرست فارس را در مناطق الخفاجیه (سوسنگرد) و الاحواز (اهواز) با اقتدار کامل دفع کردند... صبح روز ۲۴/۰۵/۱۹۸۲ (۰۳/۰۳/۱۳۶۱) در یک جابه جایی تحسین برانگیز، عقب نشینی تاکتیکی (!) خود را از جبهه محمره (خرمشهر) با موفقیت کامل انجام داده اند. مجد و افتخار بر لشکریان پیروزمند صدام حسین ۳ این دعاوی درست در شرایطی از رادیوی دولتی بغداد پخش می شد که خبرگزاری آمریکایی «یونایتد پرس» در ساعت بیست و چهار و بیست و دو دقیقه همان روز، در گزارش ارسالی خود از بیروت، سربازان عراقی را در حال فرار توصیف کرد و نوشت: «... سربازان در حال فرار عراق، سرگرم گریختن از خرمشهر و مناطق اشغالی هستند.» دکتر علی اکبر ولایتی در کتاب تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران (صفحه ۱۰۴) با اشاره به تبلیغات سران دشمن می نویسد: «عراق به صراحت شکست خود را اعتراف نکرد و حتی مدعی بود که گوشمالی لازم را به انقلاب اسلامی ایران داده است و در نتیجه، چون ضرورتی احساس نمی کرد که نیروهایش بیشتر در خرمشهر بمانند، آنها را با درگیری به عقب کشیده است.»

پس از پخش گزارشهای مستند و خبری و تصاویر تهیه شده از جبهه خرمشهر توسط رسانه های ایرانی و خارجی که در آنها شکست نیروهای عراقی در قالب صفوف هزاران نفره اسرا و انبوه ادوات و تجهیزات منهدم شده یا به غنیمت درآمده دشمن، به گویاترین وجهی به نمایش در آمد، دیگر حتی کشورهای جنوب خلیج فارس نیز که همواره از صدام حمایت می کردند، اکنون به واهی بودن دعاوی حکام بغداد اذعان داشتند. اکنون حتی مردم عراق هم به ماهیت واقعی ماجرا وقوف یافته بودند و به خوبی می دانستند که صدام به خاطر شکست در جبهه محمره! جمع کثیری از زبده ترین فرماندهان خود، از جمله سرلشگر صلاحی قاضی - فرمانده سپاه سوم ارتش عراق، ... سرتیپ ستاد جواد اسعد شینته، فرمانده سابق لشکر سوم زرهی، سرهنگ دوم ستاد محسن عبدالله، فرمانده تیپ ۱۲ زرهی ابن ولید، سرهنگ ستاد «شاكر العماري»، فرمانده تیپ ۱۰۴، سرتیپ «عطاء... نوری الدنیمی» معاون سپاه سوم، سرهنگ «احمد زیدان»، فرمانده عملیات خرمشهر را تیرباران کرده است.



از طرف دیگر رژیم عراق برای فریب افکار عمومی و سرپوش گذاشتن بر شکست خود در عملیات بیت المقدس، اقدام به اعطای «مدال شجاعت»، «نشان لیاقت» و نشان «رافدین» به تعدادی از فرماندهان خود کرد. رادیو دولتی صدای آمریکا پس از پنج شبانه روز سکوت و امتناع از انعکاس خبر فتح خرمشهر توسط نیروهای ایرانی، سرانجام در «گزارش ویژه» ۸/۳/۱۳۶۱ خود می گوید:

«به رغم مشکلات تدارکاتی، ناآرامی های ناشی از انقلاب و کاهش تدریجی قدرت عملیات نیروی هوایی ایران، ماشین نظامی ایران به گونه ای اعجاب آور عمل کرد.»

روزنامه گاردین چاپ انگلستان درباره فتح خرمشهر می نویسد: «سقوط خرمشهر یعنی سقوط آخرین و مهمترین افتخار جنگی عراق که ایرانی ها با بازپس گرفتن آن، این برگ برنده را که به وسیله آن عراق می کوشید ایران را به پای میز مذاکره بکشاند، از دست بغداد ربودند.»<sup>۵</sup>

احمد متوسلیان، در تاریخ ۷/۳/۱۳۶۱ در جلسه رده های مختلف فرماندهی تیپ ۲۷ محمدرسول... (ص)، در قرارگاه تاکتیکی تیپ ۲۷ «دارخوین» این چنین به جمع بندی دستاوردهای عملیات «الی بیت المقدس» می پردازد: «در مورد عملیات اخیر گفتنی زیاد است؛ لیکن در یک تحلیل فشرده باید گفت که از لحظه سقوط رژیم طاغوت تا به امروز به تعبیر تمام خبرگزاریهای عمده، سابقه نداشت که چنین ضربه سیاسی مهلکی به منافع آمریکا وارد شود. فتح خرمشهر باعث شد توان نظامی ای که آمریکا در منطقه برقرار کرده بود، به شدت به ضرر غرب برهم بخورد. وزیر امور خارجه آمریکا (الکساندر هیگ) رسماً در شورای امور خاورمیانه وزارت خارجه شان می گوید: «پیروزیهای اخیر ایران در جنگ با عراق برای آمریکا نگران کننده است و منافع غرب خصوصاً آمریکا را در منطقه به خطر انداخته است.»

سوال: آقای خامنه ای سؤالی که می شود مطرح کرد مسأله ی دفاعی بودن جنگ است. ما از ابتدای جنگ و شروع تجاوز عراق اعلام کردیم که در حال دفاع هستیم و بعد از این که وارد خاک عراق هم شدیم این مسأله را عنوان می کنیم که باز جنگ ما یک جنگ دفاعی است. شما این مسأله را چگونه تعبیر می کنید؟ جنگ ما از آغاز به صورت دفاع شروع شد و تا این ساعت هم ما در حال دفاع هستیم. علت هم این است که حتی ورود ما به خاک عراق، در ادامه ی دفاع مقدس ماست. البته دشمن طبعاً مایل است که هنگامی که می تواند و احساس قدرت می کند، وارد مرزهای ما بشود، تا هر وقتی که می تواند در آنجا بماند، ویرانگری بکند، تخریب بکند، افراد نظامی و غیرنظامی را به قتل برساند، زندگی را ناامن بکند، هر وقت هم که تاب نیاورد و نتوانست بماند، برگردد و داخل مرزهای خودش بشود و ما هم با فداکاری و با توانائی مردم، وقتی که توانستیم او را از مرزها بیرون ببریم، لب مرز بایستیم که نبادا وارد خاک دشمن بشویم و به حریم دشمن نبادا که قدم بگذاریم، این میل دشمن است.

اما عقل و منطق انسانی، همچنین احکام اسلامی به ما اجازه ی این را نمی دهند. ما دشمن را باید ببینیم که چگونه دشمنی است. یک وقت

دشمنی است که آمده برای گرفتن یک تپه، تصرف یک رودخانه، یک موزی گری مرزی، بعد هم سرکوب می شود برمی گردد سرجایش و قضیه تمام می شود. این جا البته بعد از آنی که دشمن را ما راندیم مسأله تمام شده است. لکن یک وقت دشمن بنای بر قلدری و زورگوئی دارد. مسأله ای او با بیرون رفتن از مرزها، آن هم با قدرت نمائی نیروهای اسلامی و فداکاریهای فراوان حل شده و تمام شده نیست. دشمن خیلی این را مغتنم می شمارد که وقتی قصد تجاوز دارد و وارد خاک می شود، تا جایی که می تواند بماند، بعد هم که رفت بیرون، ما لب مرزها بایستیم او تجدید قوای خودش بکند و هنگامی که باز لازم دانست و مصلحت دانست برگردد، تجاوز خودش را آغاز کند.

«ما هنوز مناطقی را داریم که از جمله نفت شهر و بخشی از مراکز دیگر مرزی ما که هنوز در اختیار دشمن هست و ما ادامه ای جنگمان ولو برای پس گرفتن اینها هم که باشد، یک عمل دفاعی است»

من یک وقتی یک مثالی زدم، گفتم که دزدی، متجاوزی، وارد خانه می شود، وارد مزرعه می شود و ویران می کند، نابود می کند، می دزدد، می کشد. اگر تحمل کردید که می ماند، اگر تحمل نکردید و با فشار و زور و قدرت نمائی او را بیرون کردید، هیچکس به شما نمی گوید که شما از خانه ات دیگر پا بیرون نگذار، پا توی مزرعه می او یا خانه ای او نگذار که این تجاوز به حریم اوست. نه، عقل به شما حکم می کند که بروید گریبان این دشمن را بگیرید، گلولی او را بفشارید و اولاً: از او پرسید چرا این کار را کرده و مجازاتش کنید به این کار و ثانیاً: حقتان را بگیرید، آنچه که تضییع شده از او باز پس بگیرید. این یک حکم عقلی است. این چیزی نیست که این را ما ابداع کرده باشیم. همه ای انسانها و همه ای فطرت های سالم همین جور فکر می کنند.

اصولاً وارد شدن به حریم خاک دیگران دو نوع است: یک نوع این است که از روی تجاوز، به قصد تصرف و برای زورگوئی است؛ این تهاجم است، این تجاوز است. همان طور که عراق وارد خاک ما شد. دلیلی برای این کار نداشت. یک بهانه هایی همان اول ذکر کردند، اما حتی خودشان هم کاملاً واقف بودند و می دانستند که اینها بهانه است. دنیا هم این را فهمید. لذا بود که همه ای کسانی که توی مسأله جنگ وارد شدند، تا امروز هم بما می گویند، از اوائل هم به ما گفتند که ما می دانیم متجاوز کی است، این تجاوز است. یکجور وارد شدن به خاک دشمن هست که برای استنقاذ حق است، برای گوشمال دادن به متجاوز است، برای حفظ امنیت است. برای تأمین مرزها از حوادث مشابه بعدی از سوی همین دشمن هست، این را نمی شود گفت تجاوز.

بنابراین ما، تا وقتی که در پشت مرزهای خودمان می جنگیدیم که روشن بود داشتیم دفاع می کردیم از خاک خودمان. آن وقتی هم که وارد خاک عراق شدیم، باز به دنباله ای همین مسأله است. ما مجازات متجاوز و گوشمال دادن به متجاوز را یکی از هدفهای ادامه ای جنگ ذکر کردیم و همین هم هست. اما وقتی اینها را هم پس بگیریم، ما دنبال کردن دشمن و رفتن داخل اعماق خاک او برای گوشمال دادن او، این را همه، دفاع از خود و مجازات متجاوز می شناسند. بنابراین دفاعی بودن این جنگ یک چیز واضحی است. البته ما این را

گفتیم بارها و همه هم این را قبول کردند از ما که ما قصد ماندن در این مناطق تصرف شده‌ی از عراق را نداریم. نه فاو، نه جزیره و نه هیچ نقطه‌ی دیگر، تقاطعی نیست که ما اینها را برای خودمان و جزء خاک خودمان دانسته باشیم. نه اینها مال عراق است، مال مردم عراق است، مال هر رژیم صالحی است که بعدها بر سر کار بیاید در عراق. فعلاً حرکت ما، حرکتی است که در دفاع از امنیت ما و در دفاع از آرامش و صلحی است که برای زندگی دو همسایه که ما و عراق باشیم، ضروری و لازم است.

# فتح عشق